



## بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم نوشهر - 18 / اردیبهشت / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، الهداة المهديين المعصومين، سيما بقية الله في الارضين. اولاً خدای متعال را شکرگزارم که این سفر را پیش آورد تا يك بار دیگر با شما مردان و زنان مؤمن و پرشور و انقلابی و شهیدپرور این استان، به این مناسبت، ملاقاتی داشته باشیم. حقّ مازندران، حقّ عظیمی است. بنده بارها گفته‌ام که با توجه به سرمایه‌گذاریهای خباثت‌آمیز رژیم منحوس پهلوی در این استان از يك طرف، و سرمایه‌گذاریهای دشمنان دین و ملحدین و منافقین در این استان از طرف دیگر، اگر ما می‌خواستیم همه چیز را بر طبق روال عادی حساب کنیم، نمی‌توانستیم این همه ایمان و اخلاص و شوری را که در این استان چه در دوران انقلاب، چه در دوران جنگ، چه در صحنه‌ی نظامی و چه در صحنه‌ی سیاسی مشاهده شد، پیش‌بینی کنیم. این، نشان‌دهنده‌ی ایمان عمیق و خالصانه‌ی شما مردم عزیز است. این، نشان‌دهنده‌ی لطف خدا بر شما زن و مرد مؤمن و فداکار است. من تلاشهای شما در جبهه را هم فراموش نکرده‌ام. یگانهای شما را بنده از نزدیک دیده‌ام. شهدای شما و جانبازان عزیز شما، آیت صدقند بر این که رزمندگان شما، خوب تلاش و خوب مبارزه کردند.

هرجا که مشاهده کردید فداکاران راه اسلام از شهدا و جانبازان زیادند، بدانید که دل‌های زنان و مردان و پدران و مادران، با عشق الهی و عشق اسلام و عشق امام و عشق به انقلاب آغشته است. این مادران شهدا، این پدران عزیز از دست داده، این خانواده‌های جوان پرورده و به میدان جنگ فرستاده، مجاهدت بزرگی کردند. خدا را سپاسگزارم که يك بار دیگر با شما روبه‌رو شدم و این اظهار اخلاص و ارادت به مردم مازندران را به زبان خود عرض کردم. البته این سفر، سفری نیست که خواسته باشم به مازندران بیایم. این سفر، يك سفر نظامی بود و من آمده‌ام تا برای کار لازمی، رزمندگان و نظامیان ارتش و سپاه را، در نوشهر از نزدیک ببینم و کارشان را مشاهده کنم. دیدار با شما مردم عزیز مازندران، با تفصیل بیشتر، ان شاءالله در آینده، به‌طور مستقل انجام خواهد گرفت. اما از همین فرصت کوتاه برای طرح دو، سه مطلب مختصر، که امروز از مسائل روز دنیا استفاده کنم. این مسائل اگرچه مربوط به مسلمانهاست و اگرچه پای ما در میان است؛ اما نشان‌دهنده‌ی چهره‌ی بشریت مظلوم و ستم‌کش امروز است.

درد بزرگی که انسانها در طول تاریخ دچار آن بوده‌اند، درد تحمیق از طرف قدرتمندان زور و زردار بوده است. یعنی کسانی پول و لذت دنیا را برای خودش جمع کرده‌اند؛ قدرت را در قبضه‌ی خودش نگه داشته‌اند و علاوه بر همه‌ی اینها، برای این که بتوانند کارشان را در بین آحاد بشر پیش ببرند، ملتها را فریب داده‌اند. مثلاً شما ببینید کسی مثل فرعون آن مرد ظالم و زورگو و هتاک درباره‌ی چهره‌ی نورانی موسی بن‌عمران، پیغمبر بزرگوار الهی و سفیر آسمان بر روی زمین، می‌گوید: «اتی اخاف ان یبدل دینکم او ان یظهر فی الارض الفساد. (43)»؛ موسی فسادانگیز است و مردم را گمراه می‌کند! این، درد بزرگ بشر تا امروز بوده است. وقتی که رادیو و تلویزیون ساخته شد و از شرق و غرب دنیا، آدمها با هم ارتباط پیدا کردند، عده‌ای از ساده‌لوحها شاید خیال کردند که روزگار تحمیق انسانها دیگر تمام شده است. اما افسوس! همان قدرتی که در طول تاریخ، پول را و قدرت و علم و همه‌ی ذخایر الهی در عالم وجود را به زبان بشر به کار برده است، این را هم به زبان بشریت به کار بُرد و امروز هم به کار می‌برند.

برادران و خواهران! يك سال است که يك ملت قتل‌عام می‌شود. این شوخی است؟! من و شما يك چیزی می‌شنویم! چند روز شهرهای مختلف کشورمان، در طول فواصلی، زیر بمباران دشمن قرار می‌گرفت؛ شما ببینید مردم چه وضعی پیدا می‌کردند! يك سال است که در يك کشور اروپایی، مردم کشتار می‌شوند. آن‌جا دیگر آفریقا نیست؛ اعماق جنگلهای آمازون نیست؛ شرق آسیا نیست. آن‌جا اروپاست؛ همان جایی است که دولت‌هایش برای سایر کشورهای



عالم، حق حیات قائل نیستند؛ چون می‌گویند: «آنها متمدن نیستند و ما متمدنیم». در همان‌جا، يك سال است که يك ملت کشتار می‌شود. کدام زبان می‌تواند بگوید بر سر مسلمانان بوسنی‌هرزگوین چه آوردند؟! کدام قلم می‌تواند این را ترسیم کند؟! کدام رسانه‌ی جهانی، کدام خبرگزاری از این خبرگزاریهای معروف دنیا، حاضر شدند بروند حقایق آن‌جا را بنویسند و منعکس کنند؟!

يك سال است، بزرگ و کوچک و زن و مرد و مریض و سالم و افراد و آحاد انسان، در آن‌جا کشته می‌شوند؛ لگدمال می‌شوند؛ به عرض و ناموششان تعرض می‌شود؛ خانه‌هایشان خراب می‌شود. از اوّل این مدت تا به حال که شاید يك سال هم بیشتر است دولتهای بزرگ و در رأس آنها امریکا، فقط هر چندگاه يك بار، نگاهی کرده‌اند، يك کلمه حرفی از زیانشان صادر شده و گاهی اظهار تأسفی کرده‌اند!

من به‌عنوان آدمی که طبیعت این تمدن مبتنی بر مادیت را می‌شناسم؛ طبیعت این سیاستمداران دروغگو و دغلباز دنیای امروز را می‌شناسم، توقع نداشتم که اینها بروند از مردم بوسنی‌هرزگوین حمایت کنند. الان هم که می‌گویند حمایت می‌کنیم، می‌دانم دروغ می‌گویند. آن روز هم که گفتند «ما صربها را محاصره دریایی می‌کنیم»، بنده می‌دانستم دروغ می‌گویند و نکردند.

ما از آنها توقع نداریم. آنها حتی حاضر نشدند اجازه بدهند چهارتا جوان مسلمان از اطراف دنیا بلند شوند بروند به آن بیچاره‌ها کمک کنند، یا چهار تا سلاح دستشان بدهند تا بتوانند از جان خودشان محافظت کنند. آن وقت در دنیایی که این فاجعه يك قلمش است، قضایای فلسطین هم هست؛ قضایای کشورهای گوناگون در اطراف دنیا هم هست؛ قضیه‌ی سربریدن دموکراسی در کشور الجزایر هم هست؛ سرکوب مسلمانها در نقاط مختلف دنیا هست؛ تبعید کردن فلسطینیها هست... و همه‌ی این کارهای فاجعه‌آمیز، یا به وسیله‌ی خود قدرتهای مسلط دنیا صورت می‌گیرد، یا به تشویق آنها انجام می‌شود و یا در مقابل چشم آنها و با استفاده از خونسردی آنها انجام می‌گیرد. آن وقت همین سیاستمداران دروغگو؛ همین کسانی که برای هزاران زن بوسنیایی دل‌نسوزاندند؛ همین کسانی که برای نسل‌کشی يك ملت، اهمیتی قائل نشدند، صدایشان را بلند می‌کنند و با استفاده از ابزار تبلیغاتی و ارتباطات قوی ادعا می‌کنند که «ما با تروریسم مخالفیم؛ ما طرفدار حقوق بشریم!» فهرست درست می‌کنند و این کشور و آن کشور را در فهرست تروریستها می‌نویسند و خودشان را طرفدار حقوق بشر می‌دانند! این چیست؟ این همان درد قدیمی بشر است. این همان تحمیقی است که از زمان فرعون و قبل از فرعون و بعد از فرعون، سراغ داریم. این، همان است، و بشریت، بشریت مظلومی است. این را بدانید: این بشری که زیر سایه‌ی این قدرتمندان و این قدرتها، در سطح عالم اداره می‌شود، بشر مظلومی است. این جاست که معلوم می‌شود فریاد آسمانی اسلام که به انسانها ارزش می‌دهد؛ دروغگویی را زشت می‌شمارد و صدق را علامت ایمان می‌داند، چقدر باارزش است.

امروز بشریت محتاج اسلام است. عزیزان من! جوانان مؤمن و پرشوری که خدا دل‌های شما را به نور ایمان روشن و منور کرده است! امروز بشریت به همان ایمانی که شما دارید محتاج است.

چند هفته‌ای است که علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح دنیا تبلیغات می‌کنند. چه کسانی؟ همان کسانی که از اوّل انقلاب تا امروز، روسیاهی‌شان برای ملت ایران آشکار بوده و روزه‌روز در چشم ملت ایران روسیاهتر شده‌اند؛ یعنی صهیونیستها؛ یعنی عوامل امریکا؛ یعنی پنجه‌ها و سرانگشتهای شیطان بزرگ. سطح دنیا را از جنجال تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی پر کرده‌اند!

من چند نکته را در این باب می‌گویم: نکته‌ی اوّل این‌که، این جنجالهای تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی، تازگی ندارد و مال امروز و دیروز نیست. از اوّل انقلاب این بحثها بود. البته اوّل اوّل انقلاب را نمی‌گویم؛ چون اوّل اوّل انقلاب، دشمن گیج بود؛ سرگیجه داشت؛ نمی‌فهمید چه شده است؛ قدرت نداشت موقعیت را درک کند. لذا، آن چند ماه اوّل انقلاب، تبلیغاتی از این قبیل نبود. اما هنوز چند ماهی نگذشته بود که سنای امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



مصوبه‌ای گذراند و دشمنی خودش را با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار ما روشن و واضح کرد. این اقدامها، از آن روز تا امروز، ادامه داشته است. پس اینها تازگی ندارد. همیشه دشمن می‌خواهد ضربه‌ها و حمله‌های خود را بزرگ نشان دهد.

یادتان هست در دوران جنگ تحمیلی، وقتی جوانان ما سرزمینهایی را می‌گرفتند و ضربات سختی را به دشمن وارد می‌کردند و دشمن هم در مقابل، پاتک کوچکی می‌کرد، جنجال راه می‌انداخت که «ما عملیات کردیم. چنین کردیم، چنان کردیم»؟ دشمن اگر حرکتی تعرض‌آمیز انجام می‌دهد، می‌خواهد آن را بزرگ نمایش دهد تا روحیه‌ی طرف مقابل را تضعیف کند. خودش که حمله می‌کنند، حملاتشان را بزرگ می‌شمارند و در رادیوهایشان، جنجال راه می‌اندازند؛ این از آن نقل می‌کند و آن از این نقل می‌کند! اینها تازگی ندارد. اینها با اسلام بدند؛ با جمهوری اسلامی بدند؛ با استقلال یک ملت به شدت دشمنند و با ملتی که بخواهد در مقابل آنها استقلال خودش را حفظ کند، از اعماق قلب کینه می‌ورزند. پس، اینها تازگی ندارد.

نکته‌ی دوم این است که جنجالهای خصمانه و غرض‌آلود دشمنان ما، از اوّل در روحیه‌ی این ملت بزرگ و مقاوم اثر نگذاشته است و امروز هم کمترین اثری ندارد. روحیه‌ی ایمانی قوی و عمیق این مردم، چیزی نیست که با این تبلیغات غرض‌آلود دشمنان، متزلزل شود. مردم، ملت خودشان، کشور خودشان، دین خودشان، فرهنگ خودشان، مسؤولین و انقلاب باشکوه و بسیار قیمتی خودشان را دوست می‌دارند. با این حرفها که مردم متزلزل نمی‌شوند! من خدا را شکر می‌کنم که ارتباط شخصی خودم را با آحاد مردم و با طبقات محروم و مستضعف و خانواده‌های شهدا حفظ کرده‌ام و نگذاشته‌ام اشتغالات زیاد، این ارتباطات را قطع کند. به فضل الهی توفیق پیدا کرده‌ام بسیاری از حرفهای مردم را از زبان خودشان بشنوم. لذا، آنچه را که می‌گویم ناشی از چیزی است که از اعماق ایمان مردم درک و لمس و مشاهده می‌کنم. این مردم، اسلام را انتخاب کرده‌اند؛ اسلام را وسیله‌ای برای اصلاح امور دین و دنیا دانسته‌اند و دشمن، البته نمی‌خواهد بگذارد. این، روشن است. وقتی شما می‌خواهید خانه‌ی خودتان را، خودتان اداره کنید، کسی که تا دیروز غاصب خانه‌ی شما بوده، مایل است که تا مدتی مزدوری بگیرد و خانه‌ی شما را از بیرون سنگباران کند؛ آب خانه‌ی شما را قطع کند و اگر بتواند، سیم برق شما را ببرد. راهش چیست؟ راهش مقاومت است. آنها می‌خواهند همان روابط ارباب و رعیتی که قبل از انقلاب میان قدرتمندان و مسؤولین خائن کشور ایران برقرار بود، دوباره به وجود آید. وقتی می‌بینند نمی‌شود، اذیت می‌کنند؛ سنگ اندازی می‌کنند. راهش مقاومت کردن است و این را ملت ما فهمیده است.

به فضل پروردگار، این ملت قدرت آن را دارد که بدون اعتنا به خصومت‌های دشمنان و بدون این که پیش کسی دست دراز کند، کشور و خانه‌ی خود را با دست خودش بسازد. مردم این را فهمیده‌اند، و جوانان ما این را درک کردند. لذاست که وقتی احساس کنند مسؤولین کشور برایشان کار و تلاش می‌کنند، دوستشان می‌دارند. نکته‌ی بعدی این است که ما تا آن جا که صدایمان می‌رسد، فریاد روشنگرانه‌ی خود را به سطح آفاق عالم می‌رسانیم. این طور نیست که ما در مقابل حرفهای آنها ساکت بمانیم! خدای متعال وسایل و ابزارهایی در اختیار جبهه‌ی حق قرار داده است که باطل، هر کاری هم بکند، نمی‌تواند جلو نفوذ حق را بگیرد. ما یک رادیو داریم، آنها دهها رادیو دارند. ما ابزارهایمان ابزارهای فوق مدرن امروزی برای پخش صدا نیست، آنها ابزارهایشان بسیار قوی و رساست. آنها سرمایه‌های زیادی را فقط برای دروغ و لجن‌پراکنی، کنار می‌گذارند.

همه‌ی اینها هست؛ اما درعین حال، اگر شما به هر یک از کشورهایی که آوازه‌ی انقلاب اسلامی در آن جا پیچیده است بروید، تعجب می‌کنید. البته کشورهایی را که از لحاظ فرهنگ با ما خیلی فاصله دارند، عرض نمی‌کنم. مردم آن کشورها ما را نمی‌شناسند. از اسلام خبری ندارند. از وضع ما هم خبری ندارند. راه شناختشان همان رادیو خودشان است. اما کشورهای اسلامی و کشورهایی که تحت تأثیر صددرصد صداهای دشمنان قرار ندارند، اگر شما با مردمشان



تماس بگیرید، آحاد مردم به جمهوری اسلامی عشق می‌روزند. بحث يك نفر و دو نفر نیست؛ بحث توده‌ی جمعیت است. شما ببینید امروز مسؤولین کشورهای مختلف، چقدر وارد کشور ایران می‌شوند و در این شهر راه می‌روند! چه کسی می‌فهمد؟! چه کسی به خودش زحمت می‌دهد که از دکانش بیرون بیاید و سر خیابان برود، که فلان رئیس جمهوری را که از آن جا آمده نگاه کند و ببینید؟ اهمیتی به اینها نمی‌دهند! ولی رئیس جمهور ما وقتی به کشورهای دیگر می‌رود، مردم از این شهر تا آن شهر صف می‌کشند که او را ببینند؛ برایش شعار بدهند و دست تکان بدهند. این، معنایش چیست؟ خانواده و خانه و مجموعه و مدرسه و مرکزهای فرهنگی بسیاری در دنیا هست که ما از آنها هیچ خبری نداریم؛ اما وقتی به آن جاها وارد می‌شوید، می‌بینید عکس امام را آن بالا زده‌اند! اینها از کجا و برای چیست؟ چه کسی عکس امام، اسم امام و شرح حال امام را در این کشورهای گوناگون در آفریقا، در آسیا، حتی در اروپا؛ در همین کشورهایی که تازه از شوروی سابق جدا شده‌اند و استقلال پیدا کرده‌اند برده و راجع به امام با اینها حرف زده است؟

شخصیتهای برجسته‌ای از اینها، آدمهایی معمولی بودند که بعد به برکت نام امام، پیام امام و پیام این انقلاب و فداکاریهای شما مردم همین شما جوانان و شما پدران و مادران چشمشان باز شد و تبدیل به انقلابیون بزرگ شدند. رهبر مسلمانان زنده و بیدار یکی از کشورها، که من اسم نمی‌خواهم بیاورم، آمد پیش من، گفت: «ما آدمهایی معمولی بودیم و امام ما را زنده کرد.» این آدم، آدمی است که هزاران انسان، در يك نقطه از عالم، از او الهام می‌گیرند. ما با کدام ابزار پیشرفته و با کدام فناوری فوق مدرن، این کارها را انجام دادیم؟ امروز هم همان بساط برقرار است. ما هم می‌گوییم. ما هم حقایق را بیان می‌کنیم. بنده هم به مسلمانان عالم پیام می‌دهم که تا اعماق جوامع اسلامی برود و در فضای زندگی آنها، به فضل الهی، بپیچد.

خدای متعال به سخن حق برکت داده است و برکت می‌دهد. «ضرب الله مثلاً کلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (44) ریشه در زمین است، اما شاخ و برگها، تمام فضا را پر کرده است. قضیه همین است. این طور نیست که آنها هرچه می‌خواهند علیه ملت ایران بگویند؛ ما هم مثل بعضی از کشورهای دیگر و بعضی از مسؤولین دیگر، صم بکم بنشینیم و در جوابشان حرفی نزنیم. نخیر؛ حرف می‌زنیم. آن حرف هم مخصوص میدان شهر شما نیست. آن، حرفی است که در دنیا، به فضل الهی، می‌پیچد. و این، کار خداست که در دورترین نقاط، حرفها را می‌گیرند، پیامها را می‌گیرند، حقایق را می‌فهمند و افشاگریها را انجام می‌دهند.

البته ما حقایق را بیان می‌کنیم. ما در کار هیچ ملتی دخالت نمی‌کنیم. علت این که می‌بینید افرادی از گوشه و کنار دنیا و پشتیبانان یاوه‌گوییشان، ادعا می‌کنند که «ایران در کار کشورها دخالت می‌کند»، همین است. دخالتی نیست. حرف به آن جا می‌رود و طرفدار به وجود می‌آید. سخن حق، در دل آنها می‌نشیند. آن رئیس جمهور بیچاره، ادعا می‌کند که «ایران در کشور ما دخالت می‌کند!» از او پرسیده‌اند: «شما به چه دلیل می‌گویید که ایران دخالت می‌کند؟» گفته است: «افرادی را که می‌گیریم، وقتی به خانه‌هایشان می‌رویم، می‌بینیم عکس امام ایران در خانه‌ی آنهاست» به او گفته‌اند: «این دلیل دخالت است؟! این دلیل نفوذ آنهاست؛ دلیل این است که حرف آنها را قبول دارند.» حقیقت قضیه نیز همین است.

مسأله، اسلام است. شوخی که نیست! حالا آن امریکایی نمی‌فهمد اسلام یعنی چه؛ تو که در يك کشور به اصطلاح اسلامی بزرگ شده‌ای و اگر پرسند «دینت چیست؟» به دروغ خواهی گفت «اسلام!»، باید بفهمی که مردم از اسلام جدا شدنی نیستند. این مردم مصر، مردم الجزایر، مردم سودان، مردم کشورهای دیگر، مسلمانند. این جا هم پرچم اسلام بلند است و هر کس دلش برای اسلام می‌تپد، این پرچم را در این جا عزیز می‌شمارد.

نکته‌ی آخر این که ما با این شلتاقها و قرشمال‌بازیهایی که علیه انقلاب در رادیوها و جنجالهای مطبوعاتی به وجود می‌آورند، از اصول اسلام و انقلاب و ارزشهایی که جوانان این ملت برایش خون دادند و جوانان جانباز، برای آن،



سلامتی‌شان را از دست دادند و این ملت برایش سرمایه‌گذاری معنوی کرده، یک سرسوزن دست برنخواهیم داشت. یک بار دیگر هم من این را عرض کنم اگرچه قبلاً هم بارها گفته‌ام آنهایی که از جمهوری اسلامی خشمگینند و مدام بحث تروریسم و طرفداری ما از تروریسم و نقض حقوق بشر در ایران و از این حرفهای بی‌معنا و بی‌محتوا را مطرح می‌کنند، حرف دلشان چیز دیگر است. آنها که می‌گویند «ایران طرفدار تروریسم است»، خودشان هم می‌دانند که دروغ می‌گویند. تروریست خودشانند. خودشان طرفدار خشن‌ترین تروریستهای دنیا، یعنی صهیونیستها هستند. خودشان می‌دانند که ایران طرفدار تروریسم نیست. اگر گاهی می‌گویند که «در جمهوری اسلامی، حقوق بشر نقض می‌شود»، خودشان می‌دانند که دروغ می‌گویند و می‌فهمند که این، حرف بی‌محتوا و بی‌ربطی است. وانگهی، خودشان به حقوق بشر اصلاً علاقه‌ای ندارند! حقوق بشر یعنی چه؟ دیدید که در امریکا چطور آدمها را سوزاندند؟ دیدید چطور سیاهان را، که شهروندان امریکا بودند، چگونه تار و مار کردند؟ حقوق بشر یعنی چه؟ به حقوق بشر اعتقادی ندارند! اینها حرف است؛ اینها ظاهر کار است! باطن کار، چیز دیگری است.

آنها از چند چیز به شدت ناراحتند؛ منتها نمی‌خواهند صریحاً آن را بگویند. اول همین مسأله‌ی عدم جدایی دین از سیاست است. مسأله‌ی اصلی این است. آنها با پیامی که امام بزرگوار از قلب و متن اسلام بیرون کشید و در فضای این جامعه و سراسر عالم پخش کرد که «دین از سیاست جدا نیست. دین عین سیاست است؛ سیاست عین دین است. دین فقط برای گوشه‌ی محراب نیست؛ دین برای صحنه‌ی زندگی است؛ برای اداره بشر است»؛ و این اساس مبارزه‌ی عظیم ملت ایران و سایر ملت‌های مبارز مسلمان شد، مخالفند. آنها از این عصبانی‌اند. می‌گویند: «دین و سیاست را از هم جدا کنید!» یعنی چه؟ یعنی: هرکس می‌خواهد متدیّن باشد، متدیّن باشد؛ منتها وقتی می‌خواهید کسی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنید، کارتان نباشد که باید مرد متدیّنی باشد! یک آدمی را، ولو لایبالی، ولو بی‌دین، ولو بی‌تقوا، بگذارید بیاید امور اجرایی کشور را اداره کند! وقتی می‌خواهید نماینده‌ای به مجلس بفرستید، کارتان نباشد که او متدیّن و پایبند به دین باشد. ولو لایبالی، ولو بی‌دین، ولو بی‌اعتنا به اصول و اخلاق و ارزشهای اسلامی باشد، او را انتخاب کنید. مقصودشان چیست؟ چون می‌دانند که اگر کسی در رأس کشور یا در مجلس شورای اسلامی، متدیّن و پایبند به دین باشد، بر ضدّ مصالح ملت، با آنها نمی‌سازد؛ مصالح آنها را بر مصالح کشور و ملت، مقدّم نمی‌کند. اما کسی که لایبالی است، برایش مسأله‌ای نیست. مسأله‌ی اصلی آدم بی‌دین و لایبالی، خود اوست. می‌گویند: «شما می‌خواهی رئیس باشی، می‌خواهی متنعم باشی، می‌خواهی در دنیا لذت ببری؛ این به عهده‌ی ما! آن طور که ما می‌گوییم عمل کن!» مثل عمّال رژیم فاسد و ننگین پهلوی که این طور بودند و امروز هم، متأسفانه، در دنیای اسلام، رژیمهایی مانند آن، هستند. آن طوری می‌خواهند. لذا، مشکل اصلی آنها مسأله‌ی دین و سیاست است که اینها از هم جدا باشند. مسأله‌ی بعدی، مسأله‌ی فلسطین است. آنها می‌خواهند که جمهوری اسلامی نگوید: «من با خیانت به ملت فلسطین مخالفم.» این را می‌خواهند بگویند. می‌گویند: «همان طور که دیگران می‌آیند پای میز مذاکره می‌نشینند و بر سر خانه‌ی فلسطینیها و سرنوشتشان معامله می‌کنند، شما هم قبول کنید!» ما که به فلسطین لشکر نفرستاده‌ایم؛ اما همین که با آنچه که بر سر فلسطین می‌آورند مخالفیم، اینها را می‌سوزاند. مشکیشان اینهاست.

مسأله‌ی دیگر، دفاع از حقوق مسلمانهای دنیاست. می‌گویند: «چرا از مسلمانهای دنیا دفاع می‌کنید؟! چرا آنها را بیدار می‌کنید؟!» مسأله‌ی که مورد ناراحتی آنهاست، اینهاست. مسائل اصولی است. تروریسم و حقوق بشر و حقوق اقلیتهای و از این حرفها، بهانه‌هایی است که بر زبان جاری می‌کنند.

من در پایان صحبت به شما این را عرض کنم: برادران عزیز؛ خواهران عزیز و همه‌ی ملت ایران! تا وقتی شما پایبند به ارزشهای دینتان هستید؛ تا وقتی به کشورتان ایران عزیز علاقه‌مندید؛ تا وقتی به ایرانی علاقه‌مندید؛ تا وقتی که برای اسلام و قرآن احترام قائلید و به پیروی از حرف قرآن، دستتان در دست یکدیگر است؛ تا وقتی که مسؤولین



کشور را دوست می‌دارید و با چشم باز آنها را انتخاب می‌کنید و تا آخر پشت سرشان می‌ایستید همچنانی که الان، بحمدالله، همین‌طور هست تا وقتی که جوانان شما نگذارند شور و احساس دینی و انقلابی‌شان کم شود؛ تا وقتی که روحانیون در صحنه‌اند؛ تا وقتی که در این کشور، دین منشأ زندگی است و تا وقتی که حکومت قرآنی به فضل الهی بر ایران پرتو افکنده است و این کشور در سایه‌ی قرآن زندگی می‌کند، امریکا که هیچ، اگر بزرگتر از امریکا و حتی همه‌ی قدرتهای شیطانی با هم شوند، نخواهند توانست علیه این کشور هیچ غلطی انجام دهند.  
در پایان، چند دعا می‌کنم:

پروردگارا! این دلها را که از محبت و معرفت تو منور است، به فضل و لطف خودت، روزبه‌روز منورتر کن. پروردگارا! بر قوت معنوی این ملت، بیفز. پروردگارا! بر عزت اسلام و مسلمین بیفز. پروردگارا! ما احساس می‌کنیم که با عزت اسلام و جمهوری اسلامی، خون شهیدان ما، بحمدالله، هدر نرفته است؛ پروردگارا! خون این عزیزان را روزبه‌روز در دنیا عزیزتر کن. پروردگارا! دشمنان این ملت را به خودشان مشغول کن؛ کید آنها را به خودشان برگردان. پروردگارا! قلبهای آنها را آن‌چنان که هست مرعوب عظمت این ملت قرار بده. پروردگارا! گرفتاریهای این ملت را برطرف کن. پروردگارا! دستهای گره‌ساز دشمن را قطع کن. پروردگارا! آن دست و بازوهایی را که سعی می‌کنند گره از کار مردم باز کنند، قوت بده. پروردگارا! مسؤولین دلسوز کشور را موفق بدار. پروردگارا! این ملت عزیز را مشمول الطاف خود قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس امام زمان را از ما راضی کن. پروردگارا! ما را شایسته‌ی شیعه‌ی او بودن، قرار بده. پروردگارا! چشم همه‌ی ما را به جمالش روشن بگردان. پروردگارا! روح مطهر امام و ارواح مقدسه‌ی شهدا را، در اعلیٰ علیین برکات و درجات خود قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(43) غافر: 26

(44) ابراهیم: 24